



## شکستی و آناهیتا: بررسی دو اسطوره مؤنث در اساطیر هند و ایران و انعکاس آن در آثار هنری

مریم سادات آقامیری <sup>۱</sup> ID، عبدالحسین لطیفی <sup>۲</sup> ID، محمودرضا اسفندیار <sup>۳</sup> ID

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.aghamirii@gmail.com

<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) استادیار گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Hoseinlatifi@iausr.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشیار گروه ادیان و عرفان، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.esfandiar@iauctb.ac.ir

### چکیده

پرستش الهیت مؤنث در اساطیر ایرانی و دین هندو از اهمیت بسیار برخوردار است. در رأس همه خدایان هندو، شکستی قرار دارد که ذات اعلای الهی مؤنث است. در جریان تحولات جامعه هندو هند به طور معمول الهه پرستی کاملاً جدا از عبادات خدایان مذکر نبوده است و خدایان بسیار از هر قسم در دین هندو حضور دارند. صورتی از دین هندویی خداپرستانه، پرستش خدایان شکستی است که نقش بسیار مهمی در تفکر هندویی دارد. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است و در آن بیشتر از متونی با محوریت شکستی استفاده شده است تا ماهیت و کارکرد این دو الهه را مورد بررسی دقیق قرار دهد. شکستی مادر کیهان است؛ او که قدرت الهی است خالق، حافظ و نابودکننده جهان است. در آیین شکستی زن مقامی عالی می‌یابد، زیرا زن تجسد الهه انگاشته می‌شود. مقام زن در مقابل مردان، و برابری طبقات در این کیش فقط در آداب دینی ظهور دارند. اهمیت نقش آناهیتا را در فرهنگ ایران می‌توان به تأثیرگذاری این نقش و حضور معنوی آن در اندیشه دینی مبتنی بر نگهبانی از آب که عنصر حیات است و باروری که تضمین حیات است و ماندگاری و حمایت از عنصر سلطنت مشاهده کرد. می‌توان گفت آناهیتا همان جایگاهی را در نزد مردم باستان ایران که شکستی در آیین هندو داشته است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی مقام دو اسطوره مؤنث شکستی و آناهیتا در ادیان هندویی و ایران باستان.
۲. بررسی دو اسطوره شکستی و آناهیتا در آثار هنری.

### سؤالات پژوهش:

۱. چه پیوستگی بین این دو خدایان شکستی و آناهیتا وجود دارد؟
۲. دو اسطوره شکستی و آناهیتا چه بازتابی در آثار هنری داشته‌اند؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۸۹ الی ۱۱۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۰۶

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

### کلمات کلیدی

شکستی، شاکته‌ها (شکستی پرستان)، آناهیتا، خدایان، مادر الهی.

### ارجاع به این مقاله

آقا میری، مریم سادات، لطیفی، عبدالحسین، اسفندیار، محمود رضا. (۱۴۰۲). "شکستی و آناهیتا: بررسی دو اسطوره مؤنث در اساطیر هند و ایران و انعکاس آن در آثار هنری". مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۸۹-۱۱۲



[dori.net/dor/20.1001.1](https://doi.org/10.22034/IAS)

۱۷۳۵۷۰۸.۱۴۰۲.۲۰.۴۹.۱۴۳.



[dx.doi.org/10.22034/IAS](https://dx.doi.org/10.22034/IAS)

۲۰۲۲.۳۳۳۵۱۷.۱۹۰۰.

## مقدمه

دین هندو از انواع گوناگونی از عناصر که بعضاً به‌طور کامل باهم سازگاری ندارند، تشکیل می‌شود و مجموعه‌ای را می‌سازد که از هزاران سال پیش تاکنون استمرار داشته است. در بین خدایان متعدد هندو، دو خدا که عملکرد کیهانی داشتند نسبت به بقیه جنبه تفوق یافتند و در کانون پرستش هندوها جای گرفتند. یکی از آن‌ها ویشنو<sup>۱</sup> است، خدای استمرار و بقا در وده‌ها؛ او در خدایی به‌نام کریشنه<sup>۲</sup> تجسم پیدا کرد و در کتاب بهگودگیتا (حدود ۲۰۰ پیش از میلاد) خدای اعلی است. خدای دیگر شیوه<sup>۳</sup> است که خالق، محافظ و نابودکننده جهان مطرح شده است. از حدود ۴۰۰ پیش از میلاد از شیوه سخن گفته شده و او با رودره<sup>۴</sup>، خدای وده‌ای، ارتباط مستقیم داشته است. پرستش با اخلاص این دو خدا (ویشنو و شیوه) در هزاره نخست میلادی اهمیت روزافزون یافت و تا امروز دو صورت بسیار مهم دین هندو را تشکیل داده‌اند.

صورت‌های مختلف شکتی پرستی نقشی بسیار مهم و جدی در حیات دینی جامعه هندو دارد. بحث خدایان شکتی، یکی از موضوعات مهمی است که در سنت هندو مطرح می‌شود و همواره سؤالات بسیاری را در ذهن علاقه‌مندان و پژوهشگران دین هندو ایجاد می‌کند. اینکه جایگاه شکتی در میان خدایان و خدایان دین هندو چیست؟ قدرت و انرژی شکتی چه تفاوتی با سایر خدایان هندو دارد؟ رابطه شکتی با ذات کائنات چیست؟ چه رابطه‌ای میان رستگاری نهایی انسان و شکتی وجود دارد؟ هدف این پژوهش پاسخ دادن به سؤالاتی از این قبیل است.

در کتب مختلف درباره دین و اساطیر هندو ممکن است اشاراتی به الهه شکتی را ملاحظه کرد؛ غالباً در این کتب یا آیین وده‌ئی/ براهمنی و یا خدایان شیوه و ویشنو (و تجسدهای آن) محور بحث را تشکیل می‌دهند؛ در این میان، اگر از شکتی صحبتی شود، معمولاً ذیل آیین شیوه پرستی است. به‌ندرت می‌توان کتابی در این زمینه یافت که بحث مستقلی درباره این خدایان داشته باشد؛ و مقاله‌ای هم که به الهه شکتی در جایگاه ذات اعلی کائنات پرداخته باشد مشاهده نشد. (حتی در دائرةالمعارف‌های معتبر ادیان، (دو نسخه دائرةالمعارف دین، ویراسته یاده و جونز، و دائرةالمعارف دین و اخلاق، ویراسته هیستینگز، عناوینی مختص به شکتی ندارند.) با توجه به اهمیت و جایگاه خدایان شکتی در دین هندو، این مقاله تلاش دارد تا با استفاده از مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به نقش و کارکردهای این خدایان در دین هندو دست یابد تا به شناخت بهتر فرهنگ پیچیده هند کمک می‌کند.

اما در مورد الهه آناهیتا می‌توان گفت، ظهور ایزدبانو آناهیتا الهه‌ی آب‌ها در جمع خدایان اساطیری ایران واقعه‌ای است که تعیین تاریخ دقیق آن دشوار است. همچنان کاملاً مشخص نیست که از چه زمانی او به این نام خوانده شده است.

1. Viṣṇu

2. Kṛṣṇa

3. Śiva

4. Rudra

آنهایتا یکی از ایزدبانوان مهم آیین مزدیسناست، و ما از راه یکی از یشت‌ها یعنی یشت پنجم اوستا آگاهی نسبتاً دقیقی دربارهٔ شخصیت وی به‌دست می‌آوریم. این ایزدبانو همواره جایگاه مهم خود را در حکومت‌های باستانی حفظ نموده و شاهان هخامنشی، پارتی و ساسانی با احترام از او یاد کرده‌اند. بازتاب این جایگاه مهم را در آن ادوار می‌توان در کتیبه‌ها، مهرها، سکه‌ها یافت. در هنر دورهٔ تاریخی هم نقشی مهم دارد؛ او گاه به‌صورت الهه‌ای که حضوری معنوی و جایگاهی مقدس دارد به نمایش داده می‌شود و گاه به‌صورت الهه‌ای که با قدرت در صحنه‌ای ظاهر می‌شود و حضورش را در سیاست به رخ می‌کشد؛ هرزگاهی هم که به‌صورت زنی است که در حال خرامیدن و طنازی است.

روش مورد استفاده این مقاله توصیفی-تحلیلی است. بدین طریق که جزء به جزء موضوع مورد نظر بررسی و توصیف می‌شود تا از مجموع آن‌ها چشم‌انداز کلی و آگاهی جامع از موضوع حاصل آید. علاوه بر آن باید خاطر نشان کرد که موضوع در بستر تاریخی و با تأثیر و تأثرهای تاریخی آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت. روش کار تحقیق کتابخانه‌ای است که شامل تهیهٔ فیش و استخراج اطلاعات از منابع مکتوب و سپس تدوین و تنظیم اطلاعات به‌دست آمده است.

### ۱. شکتی پرستی

در دین هندو سه شاخهٔ عمده از هم قابل تشخیص‌اند و هر یک بخشی از این مجموعهٔ بزرگ دینی را تشکیل می‌دهند: سنت‌های ویشنوپرستانه، ویشنوه<sup>۱</sup>، که بر خدا ویشنو و تجسم‌های او تمرکز دارد؛ سنت‌های شیوه‌پرستانه، شیوه<sup>۲</sup>، که بر شیوه متمرکز است؛ و سنت‌های شکتی‌پرستانه شاکته<sup>۳</sup> که تمرکزش بر شکتی (و تشخص آن: دوی، "خدابانو") است (Flood, ۲۰۰۰: ۱۷).

شکتی به معنای "قدرت" یا "انرژی" موجود در کائنات است. شکتی تشخص نیروهای فعال و توانمند کیهان و قدرت فعال خدایان است (Jones, ۱۹۷۱, ۶۶, ۶۹۱; Hopkins, ۱۹۹۵. ۱۰, ۶۹۱; Embree, Ainslie ۱۹۷۲: ۲۳۳; ibid: ۷) شکتی را مؤنث تصور کرده‌اند، ولی او در اصل یک خدایانو نیست، بلکه کیفیت توانمند موجود در تمامی خدایان است (Jones, ۲۰۰۷: ۳۹۹) بزرگ‌ترین خدایان مستقیماً با عناصر ملموس موجود در جهان مرتبط نمی‌شوند؛ آن‌ها نخست از خودشان قدرت یا تجلی صادر می‌کنند که شکتی آنان است. این شکتی در اساطیر و در هنرها همچون همسر ایشان یا دخترشان تصوّر و تصویر شده است. او از نظر پرستندگان مادری الهی است. چون فعالیت خدایان چندجانبه است و ماهیتی پیچیده دارد، شکتی آنان نیز چند اسم و ظهورات مختلف و متعدد دارد. هر یک از آن‌ها یک خدایانوست و هر خدایانو تمامی قدرت الهی را داراست (Grimal, ۱۹۸۹: ۲۲۳). الهه شکتی را با نام‌های بسیار می‌پرستند. این نظر وجود دارد که اکثر خدایانوان هندویی تجلیات شکتی هستند؛ دوی ("الهه") به‌طور خاص تشخص شکتی است (Klostermaier, ۱۹۹۸: ۱۶) اما وجوه گوناگونی نیز برای او قائل شده‌اند.

۱. Vaiṣṇava

۲. Śaiva

۳. Śākta

شکتی در جنبه خیرخواهانه‌اش ممکن است با نام‌های چون اوما<sup>۱</sup>، پاروتی، و امبیکا<sup>۲</sup> خوانده شود؛ اما در چهره‌خشن و نابودگرش اسم‌هایی چون کالی، دورگا و شیتالا دارد. او در چهره مهاسرسوتی<sup>۳</sup>، مها لکشمی<sup>۴</sup> و مها کالی<sup>۵</sup> کائنات را از مرحله آفرینش به نابودی می‌کشاند و باز به خلقت درمی‌آورد. همچنین باید گفت که پرستش‌شکتی به دو صورت دیده می‌شود؛ یا او را چون خدایانویی شامخ و برتر می‌پرستند یا چون همسر یکی از خدایان مذکر، و به‌ویژه همسر شیوه (Jones, ۲۰۰۷: ۳۹۹) آنگاه که شکتی را تشخص بخشیده و او را چون یک خدایانو تصور کردند، لازم آمد که برایش همسری (یک خدای مذکر) قائل شوند؛ بنابراین شکتی را همسر خدای قدرتمند هندویی (شیوه) گرفتند و شکتی را قدرت شیوه دانستند.

پرستش شکتی بسیاری از اوقات پیوسته با پرستش شیوه، صورت می‌گیرد. بسیاری از شیوه‌پرستان، همسر و قدرت او (شکتی) را هم می‌پرستند و او را قلب باطنی کیش خود می‌دانند (۲۰۰: ۲۰۰۳: Flood, ۲۳۳; Embree). گاهی شیوه خودش همان نیروهای کیهانی در نظر گرفته می‌شود، مانند زمانی که او را چون "خداوندگار رقص" تصور می‌کنند (Embree, ibid, p. ۲۳۳). اما غالباً شیوه جهان را به‌واسطه قدرت (شکتی) خود ایجاد و حفظ می‌کند (Flood, An Introduction to Hinduism, p. 153). نمی‌توان گفت که فقط شاکته‌ها شکتی را می‌پرستند بلکه تقریباً تمامی هندوان به درجه‌ای او را تکریم و نیایش می‌کنند. اعتقاد به شکتی در تمامی صور اصلی دین هندو وجود دارد. هم ویشنوپرستی و هم شیوه‌پرستی خدایانو را تعظیم می‌کنند. در این هر دو شاخه، او همسر، یا انرژی خدایان (مذکر) ایشان است (Klostermaier, A Concise Encyclopaedia of Hinduism, p. ۱۶۰).

کریشنه در درون سنت ویشنویی جای می‌گیرد، اما پرستندگان او وی را خالق، مبقی و نابودکننده جهان می‌شناسند. رادها<sup>۶</sup>، محبوب او، انرژی تجدیدشونده اوست، و به‌واسطه وجود رادهاست که جهان متجلی می‌شود. خود کریشنه را "دارنده قدرت"، و رادها را "قدرت" (شکتی) او می‌دانند، و رابطه آن دو تمایز در عین وحدت است (Flood: 140).

در حماسه رامایانه، شکتی از موقعیتی مستقل که ما در حماسه‌های بعدی می‌بینیم برخوردار نیست. لکن با این حال، احترام بسیار دارد. در مهابهارته شکتی باز موقعیتی عالی می‌یابد. در اینجا ما با قدرت شکست‌ناپذیر او در هیأت دورگا و ماتریکس<sup>۷</sup> روبه‌رو می‌شویم. از او همچنین با نام‌های امبیکا، کالیکا<sup>۸</sup>، بهدرکالی<sup>۹</sup>، پاروتی و نام‌های دیگر سخن گفته

۱. Umā

۲. Ambikā

۳. Mahā- Sarasvatī

۴. Mahā-Lakṣmi

۵. Mahā-Kālī

۶. Rādhā

۷. Mātrikas

۸. Kālikā

۹. Bhadrakālī



شده است. اهمیت شکتی در پورانه‌ها افزون‌تر شد. در مارکندیه<sup>۱</sup> پورانه، که قدیمی‌ترین پورانه است، ۱۳ بخش به قدرت آغازین و بی‌همانند شکتی (در صورت متشخص آن: دوی) اختصاص دارد (Jones, ۲۰۰۷: ۳۹۹).

دوی ماهاتمی<sup>۲</sup> که بخشی از مارکندیه پورانه است، یکی از متون اصلی کیش شکتی است که در آن بسیاری از اساطیر هندو نقل شده، و در آن‌ها خدایان جایگاه فائق و برتری دارند (Melton, Religions of the World, p. ۱۱۵۶). مهم‌ترین منابع آیین شکتی، دوی پورانه و تنتره‌ها<sup>۳</sup> و به‌ویژه در متون اخیر است (Klostermaier, A Concise Encyclopaedia of Hinduism, p. ۱۶۰; Embree, The Hindu Tradition, p. ۲۳۳).

در تنتره‌ها با این که شکتی اعلی همسر شیوه است، بدون او شیوه جز یک جسد بی‌جان نیست (Renou, Hinduism, p. ۳۸). گرایش تنتره‌یی در الهه‌پرستی و به‌ویژه در شرق هند نیرومند بود و کمابیش تا امروز باقی مانده است. در گرایش شکتی پرستانه تأکید بر جنس مؤنث افزون شده است؛ هم در تصویر از الهیت و هم در اعمال دینی. در متون شکتی پرستی، چه در پورانه‌ها باشد، و چه در تنتره‌ها، این تأکید کاملاً آشکار است. از زمان پورانه‌ها الهیات و اساطیر حول وجود شکتی به‌سوی کمال رفت؛ از این هنگام است که تصور از یک "الهه بزرگ" (مهادیوی) که دربرگیرنده همه چیز است و بر همه خدایان احاطه دارد پیشرفت کرد و در اساطیر پورانه‌ئی خدایان جبهانی شد. درحالی‌که سنت پرستش الهه از زمان پورانه‌ها اهمیت بسیار یافت. سنتی برای شکتی پرستی که حاصل مجموعه به‌هم پیوسته سنت‌های الهه پرستی بود، از زمان تنتره‌ها به سمت کمال رفت. شکستی پرستی تنتره‌ئی در همان آثار اولیه تنتره که پیش از سده یازدهم میلادی تصنیف شدند یافت می‌شود (Flood, An Introduction to Hinduism, p. ۱۷۵, ۱۸۰, ۱۸۴).

از آنجاکه شیوه و شکتی با هم ارتباط نزدیکی دارند، تنتره‌های شیوه‌ای و تنتره‌های مربوط به شکتی از نظر توصیه‌های عملی و مفاهیم فلسفی دارای زمینه مشترکی هستند. در بنگال و آسام کیش پرستش شکتی جریان اصلی و فائق است و در جنوب آن کشور هم رواج دارد (Klostermaier, A Concise Encyclopaedia of Hinduism, p. ۱۶۰; Embree, The Hindu Tradition, p. ۲۳۳). شکتی در تجلیاتش به‌صورت خدایان مختلف جلوه‌گر می‌شود، و این نشان‌دهنده طبیعت چندگانه اوست. او هم خیره‌خواه و صلح‌دوست است، هم غضبناک و هراس‌آور. او ممکن است رحیم، مهربان و مشفق باشد چنانکه در اوما، پاروتی، لکشمی، سرسوتی ظاهر می‌شود یا ممکن است مرگ‌آور و خوف‌انگیز باشد؛ چنانکه در کالی، دورگا و چاموندا<sup>۴</sup> ظهور می‌یابد؛ در هر دو حال محبوبیتی بسیار داشته است (Renou, Hinduism, p. ۳۸; Jones, Encyclopaedia of Hinduism: ۳۹۹-۴۰۰). شکتی را یا همسر یک خدای مذکر (شیوه) در نظر گرفته‌اند، یا یک وجود مستقل دانسته‌اند که از اتحاد انرژی‌های خدایان حاصل آمده است (Klostermaier, A Concise Encyclopaedia of Hinduism, p. ۱۶۰).

۱. Mārkaṇḍeya

۲. Devī Māhātmya

۳. Tantras

۴. Cāmūṇḍā

است، نه مذکر؛ خدایان مذکر تابع و خادم شکّتی هستند (Melton, Religions of the World, p. ۱۱۵۶). برانگیزاننده خلقت قدرت مؤنث الهیت، شکّتی است (Hopkins, The Hindu Religious Tradition, p. ۶۶).

او قدرت خلاقه و معدوم‌کننده جهان است. کلّ هستی، قدرت، حکمت، معرفت و عمل در حیطة الهه بزرگ است. کتی به حرکت درآورنده و انرژی‌دهنده و نیروی آغازین جهان است. شکّتی را نمی‌توان سد کرد، نمی‌توان بر او احاطه یافت، او قائم به خود است، شدیدالعمل است و متبرک است. شکّتی قدرتی است که می‌دهد و باز پس می‌گیرد. مرگ و تولد در قلمرو خدایانوست؛ ما همه از اراده او ناشی شده‌ایم و به الهه بزرگ مادر بازمی‌گردیم. همه چیز، سنگ‌ها، درختان، آب، تمثال‌هایی که نیایش می‌شوند یا نمی‌شوند، همه تجسّم شکّتی یا قدرت خدایانو هستند. شکّتی از مؤمنانش تسلیم و اطاعت محض طلب می‌کند (Jones, Encyclopaedia of Hinduism, p. ۳۹۸-۴۰۰; "Shaktism", The New Encyclopaedia Britannica (Micropaedia), p. ۶۹۱).

این سیستم اعتقادی، چه شاکته نامیده شود و چه کئوله، حول کانون خدایانو و یونی<sup>۱</sup> منظور اندام جنسی مؤنث شکّتی شکل گرفته و پذیرفته شده که او نیروی آغازین زمین و کیهان است. یک شاکته اصل مؤنث را نیرویی توانمند و حیات‌بخش در پشت تمامی هستی می‌بیند؛ درحالی‌که اصل مذکر، به‌ویژه در جهان‌بینی تنتره‌یی، نیرویی ساکن و منفعل است، نیرویی مکمل قدرت مؤنث است که در تمامی عالم رسوخ دارد (Jones, Encyclopaedia of Hinduism, p. ۳۹۷-۳۹۸). دو جریان اصلی در کیش شکّتی وجود دارد: "دست راستی" و "دست چپی". آیین شکّتی دست راستی مشابه سایر صور بهکتی<sup>۲</sup> است و شامل پرستش تصویر الهه و تقدیم میوه و گل به او، خواندن سرود برای او و سوزاندن عود و مواد خوشبوی دیگر است. آیین شکّتی دست چپی "پنج‌میم" (پنج چیز که در زبان سنسکریت با حرف "م" شروع می‌شوند) را در کار می‌آورد که تجاوز از اخلاق است. یکی از شیوه‌های رسیدن به رستگاری که تنتره‌ها توصیه کرده‌اند شعائری است که در آن‌ها بعضی امور ممنوعه تجویز شده‌اند (Klostermaier, A Concise Encyclopaedia of Hinduism: ۱۶۰-۱۶۱; Embree, The Hindu Tradition: ۲۳۳). پنج مورد از آنچه که در دین مرسوم هندویی نهی شده بود و در آیین شکّتی دست چپی تأکید شدند، "پنج‌میم" یا "پنج واقعیت" نامیده شدند و عبارت‌اند از شراب، ماهی، گوشت، غلات خشک‌شده یا بوداده شده، و پیوند جنسی.

بنابر قوانین منو<sup>۳</sup>، مصرف الکل، گوشت و ماهی برای براهمنان ممنوع است و آن‌ها را عامدانه آلوده می‌کنند. اما آیین تنتره دست چپی به معارضه با اخلاقیات و مقررات عملی براهمنان برمی‌خیزد. این مکتب قوانین و قراردادهای خلوص براهمنی را استهزاء می‌کند و هدفش را به‌دست آوردن قدرت جادویی سیده‌یی<sup>۴</sup> قرار می‌دهد. اما آیین تنتره‌ای دست راستی مقررات قراردادی را می‌پذیرد و استفاده از پنج‌میم را مردود می‌شمارد (Flood, An Introduction to

۱. Yoni  
۲. Bhakti  
۳. Manu  
۴. Siddhi

(Hinduism, p. ۱۸۹-۱۹۰). پذیرش شکتی به‌عنوان قدرت مؤنث جهانی به طبیعت خلاق زنان، به خصوصیات جسمانی زنان و در نهایت به قدرتی که در زهدان زنان نهفته است، مربوط می‌شود. در بسیاری از تنتره‌های مرتبط با این آیین توصیفات متعدد در ستایش و تکریم زنان به چشم می‌خورد؛ از جمله: «زنان خدایانوانند؛ زنان حیاتیند» (Jones, Encyclopaedia of Hinduism, p. ۳۹۸-۴۰۰). در جهان‌بینی شاکته همگی زنان در ذات خود الهی هستند. در این سنت، چرخه قاعدگی که مطابق است با ۲۸ روز دوره ماه بسیار اهمیت دارد. در شعائر و آداب این کیش، خون قاعدگی و دیگر مایعات بدن زن بسیار مهم و حیاتی تلقی می‌شود. این خون را که محترم می‌شمارند، به‌عنوان عملی نیایشی به خدایانوانی چون دورگا، کالی و ماتریکس اهداء می‌کنند تا آن‌ها را به رأفت بیشتر برانگیزند. در بعضی شعائر، در برخی از صورت‌های این کیش، قربانی حیوانی جایگزین اهداء خون قاعدگی شده است، اما در آن‌ها هم هرگز یک حیوان ماده قربان نمی‌شود.<sup>۱</sup>

در ایدئولوژی تنتره‌ای، چون زنان آکنده از شکتی هستند، قوی‌تر از مردان‌اند، ولی این قدرت در واقعیت اجتماعی انعکاس نمی‌یابد؛ در جامعه هندو زنان تابع و زیردست مردان‌اند. البته تنتره‌ها را مردان و معمولاً براهمنان نوشته‌اند، اگرچه آن‌ها فقط برای مردان نیستند. الگوی تنتره‌یی از زنان که آن‌ها را نیرومند، خردمند و زیبا نشان می‌دهد، با الگوی براهمنی از زنان که آنان را منفعل و مطیع می‌خواهد سازگاری ندارد. همچنین، در تنتره‌ها نمونه‌هایی از زنان تارک دنیا وجود دارند که از حرمتی عظیم برخوردارند و آن‌ها در جایگاهی جلوس می‌کنند که برای الهه مقدس است (Flood, An Introduction to Hinduism, p. ۱۹۱).

آیین شکتی تأثیر فراوانی بر اندیشه عمومی هند گذاشته است. یک بررسی جغرافیایی نشان می‌دهد که در این سرزمین مراکز متعدد شکتی ساده‌نه<sup>۲</sup> یعنی طریقه شکتی وجود دارد. این کیش هم در گذشته بسیار رواج داشته و هم امروزه پیروان خود را حفظ کرده است. اخیراً دین هندو شاهد رنسانسی بوده است که در آن کیش شکتی نقش مهم دارد؛ جنبش شکتی‌پرستی در دادن حقوق به زنان نقش داشته است. گوروهایی در بین زنان پیدا شده‌اند که با دیده تقدس به آنان نگریسته‌اند. درحالی‌که سابق بر این، این امتیاز فقط نصیب مردان می‌شد. بعضی زنان حتی اوتاره شکتی گرفته شده‌اند و بدین لحاظ از حرمت فوق‌العاده برخوردارند. اکنون درباره خدایان مؤنث بیش از پیش مطالعه، و به این موضوع چون امری جدی نگریسته می‌شود. درواقع پیروان کیش کالی و اعضای جنبش برهمو سماج<sup>۳</sup> راه را برای این‌گونه پیشرفت آیین شکتی باز کرده‌اند؛ بعضی مردان مقدس هندو همچون سوامی ویوکاننده<sup>۴</sup> (۱۸۶۳ تا

1. *ibid*, p. 398.

۲. *Sādhana*

۳. *Brahmo Samāj*

۴. *Swami Vivekānanda*

۱۹۰۲)، سری رامه کریشنه<sup>۱</sup> (۱۸۳۶ تا ۱۸۸۶) و سری اوروبیندو<sup>۲</sup> (۱۸۷۲ تا ۱۹۵۰) به جنبش شکستی پرستی یاری رسانده‌اند.<sup>۳</sup>

آیین شکستی بر دین بودایی نیز تأثیر گذاشته است و جایگاه عنصر مؤنث در آن بالا رفته است. اولوکیتشوره<sup>۴</sup>، بودهیستوه<sup>۵</sup> برجسته دین بودایی مهاییانه<sup>۶</sup> را در بسیاری از صورت‌های مؤنث (علاوه بر صورت‌های مذکر) تصویر کرده‌اند. بسیاری از مودرا<sup>۷</sup>های بودایی (شکلی که دستان در تصاویر دارند) نشان‌دهنده پیوند بین یک خدای مذکر و یک مؤنث است. آیین تنتره متأثر از شکستی پرستی در دین بودایی جای خود را باز کرده است، حتی جنبه‌های تقدس‌بخشی آن به پیوند جنسی در این دین راه پیدا کرده‌اند. این گرایش دین بودایی را بیشتر در تبت و نپال می‌توان مشاهده کرد (ibid: ۱۱۵۶).

## ۲. بُعد فلسفی آیین شکستی

فلسفه شاکته مکتبی از اصول عقاید فلسفی است که به طریق خاص خود به واقعیت نزدیک می‌شود. گرچه این مکتب از منزلتی عظیم بهره‌مند است ولی در هیچ‌یک از خلاصه‌های فلسفه هندی جایگاه شایسته خود را نیافته است. در تنتره‌ها، درحالی که شیوه عقل محض و منفعل است. شکستی نیروی فعال مؤنثی است که مبدأ جهان پدیداری است. در سیستم فلسفی شاکته، شکستی عامل خلاق در فرایندی است که طی آن برهمن خود را در نام و در شکل ظاهر می‌سازد. در تنتره‌هایی که گرایش به آیین شکستی دارند، شکستی، پره شکستی<sup>۸</sup> خوانده می‌شود، و او حقیقت اعلائی است که پیش از آنکه از طریق جهان عینی و واقعی تجلی یابد، در حالت سکون تجلی نیافته وجود داشته است. این حالت او غیرقابل تفسیر و غیرقابل توصیف است. آیین شکستی به سنتی اعتراف دارد که در آن خدایان با اصل اعلائی یکی است (Jones: ۴۰۰; Hapkins: ۱۲۸).

در یکی از سیستم‌های فلسفی شاکته، حقیقت اعلائی، سمویت<sup>۹</sup> [آگاهی، توان آگاهی، انرژی آگاهی] نام دارد و آن دارای شعور خالص است. سمویت منور به نور خود است و محدودیت‌های زمان، مکان و علیت بر آن اثر نمی‌گذارد. این حقیقت نوری نامتناهی است که پرکاشه<sup>۱۰</sup> [نور، نورآگاهی] نامیده می‌شود و دارای آزادی در عمل است. این آزادی «قدرت» آن را تشکیل می‌دهد که درواقع با هستی آن یکی است و نیز به صورت دارایی بی‌چون و چرای او

۱. Sri Rāmakṛṣṇa

۲. Sri Aurobindo

۳. ibid, p.1156.

۴. Avalokiteśvara

۵. Bodhisattva

۶. Mahāyāna

۷. Mudrā

۸. Para-śaktī

۹. Sakvit

۱۰. Prakāśa



لحاظ می‌شود. جوهر سمویت، آگاه، عاری از ویکلپه‌ها<sup>۱</sup>، تعینات و کاملاً بر کنار از ماده است. یگانه، کامل، مداوم، متراکم و دارای بافت همسان است و هرگز امکان بروز وقفه‌ای در تداوم آن و آمیزش عناصر بیگانه در جوهر آن وجود ندارد. از آنجا که آزاد است، برای تجلی و عملکرد خود به هیچ چیز دیگری بستگی ندارد.

می‌توان گفت که "قدرت" (شکتی) در حالتی دوگانه وجود دارد؛ آفرینش و انهدام در واقع نتیجه بازی این قدرت است. شکتی همواره فعال است و فعالیت آن از یک سوی به صورت محدود کردن خویش جلوه‌گر می‌شود که متضمن ظهور جهان است تا آن هنگام مستحیل در ذات حقیقت (سمویت) و با آن یگانه بوده است. از سوی دیگر، به صورت خود حقیقی جلوه می‌کند که متضمن ناپدید شدن جهان و مستحیل شدن آن در حقیقت نهایی است. ابقای دنیا مرحله‌ای بینابین میان جلوه‌گری به صورت کائنات و ناپدید کردن آن است (رادا کریشن، ۱۳۶۷: ۱/ ۴۲۰ و ۴۲۳).

در مارکندیه پورانه، الهه با پرکریتی<sup>۲</sup> یعنی قدرت ابقاکننده هستی وحدت دارد. اما نقش‌های گوناگونی می‌پذیرد: مادر، تغذیه‌کننده و جنگجو، و در همه این‌ها او مایل است که به لیل<sup>۳</sup> یعنی بازی جهانی خود بپردازد. در دوی بهاگوته پورانه<sup>۴</sup>، شکتی سه کیفیات وجودی را به خود می‌گیرد، و آن سه عبارت‌اند از ستوه<sup>۵</sup> به معنای پاکی، خلوص، نور و رجس<sup>۶</sup> یعنی هیجان، سرزندگی، تمس<sup>۷</sup> به معنای آختی، تاریکی. شکتی نیرویی است که در این کیفیت گونه‌های<sup>۸</sup> جهان، خوبی، انفعال، تاریکی پنهان است. پیوندهای متقابل این کیفیات که شکتی برانگیزاننده آن‌هاست، ادغام عناصر پرکریتی را دربر دارد و جهان با تفاوت‌هایش هستی می‌یابد (Hopkins, The Hindu Religious Tradition: ۶۶; Jones, Encyclopaedia of Hinduism: ۳۹۹).

سمویت مانند آینه پاکیزه‌ای است که کائنات در آن چونان تصویری انعکاس یافته در یک واسطه شفاف می‌درخشند. همچنان که تصویر از آینه مجزا نیست، جهان هم از سمویت جدایی ناپذیر است. آینه فقط منعکس می‌کند، ولی سمویت به لحاظ کمال خود خلاق است و به موضوعی خارج از خود نیاز ندارد. این آزادی یا قدرت در به فعل درآوردن ظهور جهان است در چشم ما. دنیا که بدین‌سان در مطلق آشکار شده است، تنوعات بی‌شمار دارد ولی سمویت همواره به صورت همان یگانگی ناگسستنی میان وجود و آگاهی باقی می‌ماند. واقعیت نهایی در مقام هستی جهانی یکی بیش نیست ولی صور خاص او بسیارند. کثیر همان قدر واقعی است که یگانه، زیرا هر دو یکی هستند. با این توضیحات باید سه حالت ممکن را در نظر بگیریم: الف. سمویت تنها، بدون اینکه دنیا درون آن آشکار شده باشد.

۱. Vikalpas

۲. Prakṛti

۳. Lilā

۴. Devī Bhāgavata Purāna

۵. Sattva

۶. Rajas

۷. Tamas

۸. guṇas

ب. سمویت و دنیایی که در درون آن می‌درخشند، بدون بازتاب خارجی. ج. سمویت، دنیای درون آن، و بازتابش به خارج.

قدرت (شکتی) دارای سه حالت متمایز وجودی است:

۱. طی زوال دنیا، هنگامی که "خود" از تمامی ویکلپه‌ها آزاد است، شکتی به صورت چیت<sup>۱</sup> - شکتی (آگاهی - قدرت) خالص وجود دارد. همچنان که آینه حیات تصویر است، چیت-شکتی نیز اصل زندگی جیوه<sup>۲</sup> است.
۲. هنگامی که پس از پرلیه<sup>۳</sup> یعنی انحلال عالم، حالت خاص پایان می‌یابد و زمانی که هنوز هیچ ویکلپه‌ای وجود ندارد، ولی تمایل به آن جهت وجود دارد، "قدرت" مایا - شکتی (پندار - شکتی) نامیده می‌شود.
۳. زمانی که ویکلپه‌ها کاملاً تکامل یافته و مادیت تراکم پذیرفته است، شکتی به صورت اویدیا یا پرکریتی ظاهر می‌شود.

سمویت انباشته و بی‌نیاز است و عمل خلاقهٔ اعلاي آن را باید از روندهای خلاقهٔ بعدی متمایز دانست. هدف سمویت فرافکنی "خود" (از خود به خودش) است. از آنجا که خاستگاه آفرینش بیرون از "خود" نیست، "خود" هم علت فاعلی است و هم علت ذاتی برای معلول. آفرینش درون "خود" انجام می‌شود، نه درون زمان و مکانی که متفاوت از آن باشند. همچنین، آنچه که برون افکنده می‌شود چیزی جز "خود" نیست. بدین‌سان، هر چیزی در این منظومه، درونی یا بیرونی، صورتی از "خود" است. ظهور کائنات در آفرینش به دنبال محدودیت یافتن "خود" در قدرت الهی (شکتی) صورت می‌گیرد و پایان کائنات (پرلیه) نیز از تجلی خود همان "قدرت" ناشی می‌شود. در سیستمی دیگر از فلسفه‌ی شاکته الهیت اعلاي پرمشوره<sup>۴</sup> خوانده شده است و "قدرت بیکران" (شکتی یا کلاً<sup>۵</sup>، قدرت متعال و برتر از کائنات) با اتحادی سرمدی در او نهفته است. این الهیت وجودی دارای ماهیت قیومیت ست (همان، ۴۳۱ و ۴۳۵-۴۳۶ و ۴۲۵-۴۲۶)، آگاهی از خود چیت و شادی در خود آنده<sup>۶</sup> توصیف شده است.<sup>۷</sup>

در مارکندیه پورانه با دیدگاهی فلسفی روبه‌رو هستیم که در آن خدایانو آگاهی محض، آفریننده، حافظ و نابودکننده است. او هم تجلی واحد و هم تمامی تجلیات وجود اعلاي است. برخلاف سنت اخیر هندو که برهمن را اصل غیر مادی کائنات می‌داند، آیین شکتی الهیت را هم متعال و هم حاضر در جهان می‌بیند. شکتی هم متعالی است و هم در همه چیز حضور دارد؛ هم مایا است، و هم وجود محض؛ هم حرکت می‌کند و هم لایتحرك است. او معرفت، اراده و عمل در ماوراء همهٔ موجودات است. شکتی در اینجا حقیقت مطلق است، ولکن گاه و بیگاه تشخیص می‌یابد تا به خدایان در

1. Cit

2. Jīva

3. Pralaya

4. Parameśvara

5. Kalā

6. Ānanda

اجرای وظایفشان کمک کند. او همچنین، ظاهر می‌شود تا به مریدانش یاری رساند که از قیود محدودیت‌ها و رنج‌های انسانی رهایی یابند و به آزادی نائل شوند.

بعضی اوپنیشدهای متأخر که به شکتی پرستی گرایش دارند و نیز شماری از تنترها شکتی را برابر با برهمن گرفته‌اند. در این متون، طبیعت فراگیر برهمن و شکتی، ماده اولیه و زیربنایی در کل وجوداند و آن‌ها را نمی‌توان از هم جدا انگاشت. شکتی نه فقط با برهمن یکی است، بلکه با طبیعت و ماده (پراکریتی) نیز وحدت دارد. اوپنیشدها و تنترهای مزبور به ذات مستقل و قادر مطلق شکتی اشاره دارند که در آن‌ها کیفیات مکمل و پذیرنده نیروی مذکر (همچون شیوه) در برابر قدرت فعال آن بیکار و عاجز است. هنگام آفرینش نخستین امری که رخ می‌دهد ظهور "قدرت" (شکتی) است که زمانی بس طولانی در اعماق هستی الهی نهفته است. این "قدرت" به وسیله اراده مشخص می‌شود که نخستین واقعیت حادث شده در آن است (همان: ۴۳۲ و ۴۳۳). تصویر شماره ۱ یکی از نمادهای خدای شاکتی در هند می‌باشد.



تصویر ۱. مجسه شاکتی، خدای نابودگر. دهلی، هند.

شکتی در انسان هم هست و در این حالت کوندلینی<sup>۱</sup> نام دارد. کوندلینی همان شکتی است و یوگیان او را قدرتی می‌دانند که در انتهای ستون مهره‌ها، به صورتی خفته قرار دارد و همچون ماری چنبره زده است. (تصویر ۱) اگر این مار بیدار شود و صعود کند، آزادی روحانی محقق خواهد شد. در سیستمی از یوگه به نام "کوندلینی یوگه"، جسم انسان تجلی شکتی است، شکتی در هر انسان نهفته است و آن کوندلینی است (Hopkins: ۱۲۹; Grimal: ۲۲۳; Shaktism: ۶۹۱).

آزادی اراده الهی، به واسطه تبدلی که در شکتی روی می‌دهد، ناپدید می‌شود. هنگامی که شکتی به خارج میل نمی‌کند و در خود آرام می‌گیرد، شکتی - کوندلینی خوانده می‌شود که همچون مار چنبره زده‌ای تصور می‌شود. این تبدیل در چند مرحله صورت می‌گیرد و طی آن شکتی - کوندلینی در خود با نیرومندی حلقه می‌زند و به سطح

۱. *Kundalinī*

شونیه (خلاء) وارد می‌شود. این همان وجه از شکتی است که در انسان در انتهای سلسله اعصاب نخاعی جای دارد. (همان: ۴۳۸ و ۴۳۵).

چکره‌ها<sup>۱</sup> محل ذخیره تمامی نام‌ها و اشکالی هستند که خدا در خلقت به وجود آورده است. کوندلینی شکتی است، انرژی یا قدرت فعال که در یک‌سوی خلقت قرار گرفته و شیوه در سوی دیگر آن. وحدت نهایی شکتی و شیوه برای کسی که آن را تجربه کند، از میان رفتن واقعی دوگانگی و کثرات است که در جهان پدیداری وجود دارد (Hopkins: ۲۲۲).

آیین شاکته به اندیشه‌ورزی در وحدت شکتی با برهمن و وحدت همه چیز با صور عینی پرستش دعوت می‌کند. هدف کیش شکتی بهکتی<sup>۲</sup> یعنی شادمانی و موکتی<sup>۳</sup> یعنی رهایی است (Klostermaier: ۱۶۰-۱۶۲). شاکته‌ها به اهمیت خودشناسی برای نیل به موکشه ایمان دارند. خودشناسی دارای تعریف معین و با "آگاهی" یکی است و این مربوط است به شناخت اتحاد ناگسستنی میان "خود" فردی، و "خود" جهانی که از طریق متون مقدس حاصل می‌آید. آگاهی که بدین‌سان بدست می‌آید نبودکننده جهلی است که در عمق وجود دنیوی نهفته است. معرفت ناشی از سمادهی<sup>۴</sup> یعنی تمرکز فکری کامل با آگاهی مذکور یکسان است.

شاکته‌ها برآنند که "خود" اعلی دارای ماهیت شعور خالص است و آنچه آن را از ماده متمایز می‌کند خودآگاهی است که در آن آزادی مندرج است. معرفت به "خود" جامع ممکن است غیرمستقیم باشد، مانند هنگامی که از طریق آگمه و از زبان گورو<sup>۵</sup> یعنی مربی روحانی شنیده شود؛ این معرفت ممکن است مستقیم باشد و آن هنگامی است که بلاواسطه از سمادهی استخراج شود. آنچه که متعلق شناسایی است با "خود"، وحدت می‌یابد و حالتی از معرفت کل دست می‌دهد. بدن فردی که با پیکر جهانی یکی شده با علم کلی وحدت می‌یابد؛ روح و ماده در موازنه‌ای غیرقابل اختلال قرار می‌گیرند و آن "مرحله شکتی" است (همان: ۴۴۳ و ۴۴۵).

### ۳. آناهیتا

#### ۳.۱. آناهیتا در اسطوره‌ها

این ایزدبانو در اسطوره‌ها ایزدبانوی آب‌هاست یعنی نگهبانی آب‌ها به او اختصاص دارد و بر کل آب‌ها حکومت می‌کند. او نه تنها ایزدبانوی همه آب‌های روی زمین که سرچشمه اقیانوس کیهانی نیز شمرده می‌شود (حرم پناهی، ۱۳۸۱: ۱۲۳). ایزدبانوی الهام‌دهنده حاصلخیزی خاک است و عنصر آفرینندگی جهان و الهه مادر شناخته می‌شود. ویژگی "

۱. Cakras  
۲. Bhukti  
۳. Mukti  
۴. Samādhi  
۵. Guru



مادری او به علت این است که او "مادری آب" را برعهده دارد. معنای مادری آب یکی از روشن‌ترین تعبیرهای رمزی اساطیر است، زندگانی از آب زاده می‌شود و زاده‌شدن از آب در اصل به معنای زاده‌شدن از "زهدان مادر" است. در باورهای اساطیری شخصیتی بزرگ، قدرتمند و پاک است. جایگاه وی در اوج آسمان و به تعبیری منزلگاه وی طبقه هفتم آسمان است. وی با جادوگران و ساحره‌هایی که حرمت آب را نگه نداشته و باران را عزیز نمی‌شمردند در نبرد و پیکار بود و با دیوهایی که آب انبارها، آب‌گیرها را به خشکی می‌کشاندند، همواره در ستیز بود (معصومی، ۱۳۸۸: ۴۲۴). به عبارتی این ایزدبانو در اسطوره سرچشمه زایش و زندگی است؛ چراکه خداوندگار آب است و آب مایه بقای حیات.

### ۳،۲. آناهیتا در منابع تاریخی

#### ۳،۲،۱. وجه تسمیه آناهیتا/ اردوی سور آناهیتا

آناهیتا یا اردوی سور آناهیتا عنوانی است که او در اوستا با آن ظاهر شده است. نام او احتمالاً متشکل از سه صفت است. در حقیقت، طیف زیادی از معانی برای هر یک از سه واژه "اردوی"، "سور"، "آناهیتا" پیشنهاد شده است. مشکلات زبانی مهمی در رابطه با خوانش اوستا وجود دارد (Sadi-Najad, ۲۰۱۳: ۵۸).

نظر بارتولمه در این مورد به اختصار چنین است: aredvi اسم مؤنث، نام رودخانه‌ای اساطیری، غالباً با sura و Anahita توأمان می‌آید. در پشت پنجم نام رودخانه‌ای است که از هوکریه به دریای وروکشه می‌ریزد. aredvi. در اصل به معنای "رطوبت و نمناکی" است.

ahitā صفت مفعولی به معنای "آلوده" است، در فارسی میانه ahok، در فارسی نو āho: (عیب و نقص و بیماری)

an-ahitā صفت به معنای "بی‌آلایش/پاک"

نظریه‌های هوفر در مورد وجه تسمیه آناهیتا چنین است:

anahita اسم مؤنث، نام ایزدبانویی است که در یونانی Anaitis ثبت شده است. در اوستا صفت است به معنای "بی‌آلایش" و غالباً با صفت "اردوی" توأمان می‌آید. ترکیبی است از a (یا an) ahita اوستایی (به معنای آلوده). نظر راشلیت در مورد وجه تسمیه اردوی سور آناهیتا چنین است: aredvi اسم مؤنث، به معنای "نم، رطوبت"، در سنسکریت rdu نام رودخانه‌ای است اساطیری.

Sura صفت به معنای "قوی، نیرومند". an-ahita صفت به معنای "بی‌آلایش" (گویری، ۱۳۸۵: ۳۵ و ۳۶).

آناهیتا به هیچ دور طبیعی، چون آمدن روز و شب برخلاف دیگر ایزدان مزدایی همچون میتره و همیارانش وابسته نبود (رسولی، ۱۳۹۱: ۱۹).

اندک‌اندک نام ایزد سرسوتی فراموش شد و دو صفت آن "اردوی" و "سوره" جای آن را گرفتند. سوره یا سورا، بخش دیگر نام این ایزدبانو به معنای "نیرومند" و "پر زور" است، صفتی که به رودخانه‌ای پر آب و تند و تیز داده می‌شد. در بندهش نیز منظور از اردویسورا رودی است پاکیزه که به همه آب‌های در آسمان و زمین ارزد. برخی چون اشتاسبرگ نام اصلی آناهیتا را همان ap می‌دانند که توسعاً به معنای "رودخانه" شده است.

به نظر کلنز این فرض نامحتمل نیست؛ چون در اوستا، قائل شدن نامی خاص برای رودخانه‌ها سابقه دارد، از آن جمله است سومین لقب و مشهورترین لقب این ایزدبانو، آناهیتا که در کتیبه‌های اردشیر هخامنشی و در بسیاری از متن‌ها آمده، ظاهراً در زمان هخامنشیان بر نام او افزوده شده و به معنی "پاکی" و "بی‌آلایشی" است، همانند خود آب. ظاهراً افزوده شدن لقب آناهیتا در زمان هخامنشیان بر نام این ایزد بانو به منظور یکی کردن ایزدبانوی ایرانی رودها (هرخوتی اردوی سورا) با ایزد بانوی غیرایرانی باروری بوده است که یونانیان او را آنایتیس می‌خواندند. این نام در پهلوی anahid و در فارسی ناهید می‌شود (رسولی، ۲۰: ۱۳۹۱). بویس معتقد است که نام آناهیتا برگرفته از یک تشابه اسمی با الهه یونانی Anahiti است (۵۹: ۲۰۱۳: Sadi-Najad).

### ۳،۳. آناهیتا در متون اوستایی

#### ۳،۳،۱. یسناها

در میان یسناها، از یسنای ۶۳ تا ۶۹ آیزوهر نامیده می‌شود، آب زوهر (ab - zar) یا "نثار آب" جزئی از مراسم یسنه (Yasna) است که پس از اتمام مراسم دعاخوانی یسنه، اجرا می‌شود (شین دشتگل، ۱۳۸۲: ۱۲۶). در این یسناها (به‌خصوص بندهای یک تا پنج یسنای ۶۵) از آب و ایزدبانوی موکل بر آن، آناهیتا صحبت می‌شود (رسول، ۱۳۹۱: ۲۱). هات شصت و پنج: ۱. اهوره مزدا به سپتمان زرتشت گفت: ای سپیتمان زرتشت!

" اردویسور آناهیتا " را - که در همه جا {دامان} گسترده، درمان‌بخش، دیوستیز و اهورایی کیش است - به خواست من بستای! {اوست} که در جهان استومند، برازنده ستایش و سزاوار نیایش است. {اوست} اشونی که جان افزاید و گله و رمه و دارایی و کشور را افزونی بخشد. {اوست} اشونی که افزاینده گیتی است.

۲. اوست که تخمه همه مردان را پاک کند و زهدان همه زنان را برای زایش، {از آرایش} بپالاید.

اوست که زایمان همه زنان را آسانی بخشد و زنان باردار را به هنگامی که بایسته است، شیر {در پستان} آورد.

۳. اوست برومندی که در همه جا بلند آوازه است. اوست که در بسیار فرهنگ‌های همچون همه آب‌های روی زمین است. اوست زورمندی که از کوه " هگر " به دریای " فراخ کرت " ریزد.

۴. بدان هنگام که اردویسور آناهیتا - آن دارنده هزار دریاچه و هزار رود، هر یک به درازای چهل روز راه مردی چابک سوار - به سوی دریای فراخ کرت روان شود، سراسر کرانه‌های آن دریا به جوش درافتد و میانه آن برآید.

۵. از این آبی (رودی) که از آن من است، به هر یک از هفت کشور، رودی روان شود؛ از آبی (رودی) که از آن من است و در زمستان و تابستان یکسان روان است. او (۱) برای من، آب را و تخمه مردان را و زهدان و شیر زنان را پاک کند (پورداوود، ۱۳۴۷: ۴۰۴).

### ۳.۴. جایگاه آناهیتا در اصلاحات زرتشت

با ظهور زرتشت اصلاحاتی در دین آریایی ایرانیان پدید آمد و ایزدبانوان همچون دیگر ایزدان، اهمیت پیشین خود را از دست دادند (ستاری و خسروی، ۱۰۲: ۱۳۹۲).

همه خدایان کهن به عقب رانده شدند و به حوزه دروغ طرد شده‌اند و نام (daeva) دیو بر آنها نهاده شد (RicI, ۱۹۷: ۲۰۰۲)؛ زیرا زرتشت در زمان حیاتش جز اهورامزدا هیچ خدایی را به‌عنوان خالق، قادر و نگه دارنده مطلق عالم نمی‌شناخت. زرتشت شدیداً با بغان پرستی مخالفت می‌ورزید و خدایانی چون میتره و آناهیتا را در مقابل اهورامزدا می‌دانست که از خدایان کفار اصنام پرست بودند (کاظم‌زاده، ۵۸: ۱۳۹۲). اما به سبب دیرینگی و اهمیتی که نزد ایرانیان داشتند، پس از زرتشت در آیین مزدیسنا دوباره بازسازی و پدیدار شدند. خدایان آریایی کهن شکوه و جلال خود را به‌عنوان میانجی و فرشتگان اهورامزدا باز پس گرفتند (RicI, ۲۰۰۲: ۱۹۷).

علت راه‌یابی خدایانی چون آناهیتا را به دین زرتشت، به خیانت پس از مرگ زرتشت و پایه‌گذاری دینی به دور از اصول وی نسبت می‌دهند. عده‌ای از محققین این اعتقاد را دارند که مغها مذهب زرتشت را تحریف کرده‌اند و تاریخ این تحریفات را در قرن چهارم ق.م می‌دانند. یعنی به دوره‌ای که مغان در دستگاه‌های دولتی قدرت می‌یابند. پرستش ایزدانی کهن همچون میترا، بهرام، آناهیتا که شخصیتشان توسط زرتشت کم‌رنگ شده بود را رواج می‌دهند و آن‌ها را در اوستای صغیر وارد می‌کنند (ارشاد، ۱۳۸۶: ۱۱؛ داندمایف، ۱۳۵۲: ۳۰۷). به همین دلایلی که بیان شد ما نام آناهیتا را در گاهان نمی‌یابیم. پس از زرتشت نام ایزدان در پشت‌ها آورده می‌شود و ستوده می‌شوند.

### ۳.۵. آبان‌یشت

در میان یشت‌ها یشت پنجم اختصاص به اردویسور اناهید دارد که آبان یشت نامیده می‌شود. این یشت یکی از زیباترین یشت‌های اوستاست. آبان‌یشت بخشی از آیین عبادی اوستایی است که وقف او شده است.

کلمه آبان مرکب است از حروف "الف" و "ب" به معنای آب و پسوند نسبت پهلوی و فارسی "الف" و "ن" به معنای "ماه" که منسوب به آب و فرشته آب می‌باشد. همین‌طور آبان (Aban)، نام فرشته موکل بر آب و تدبیر امور و مصالحی است که در ماه و روز آبان واقع می‌شود. آبان در آیین زرتشتی، همان ایزد نگهبان و موکل روز دهم ماه آبان از هر سال شمسی بوده و همچنین نام روز دهم از ماه‌های فرس نیز می‌باشد که آن روز را عید می‌گرفتند. روز آبان در این ماه یکی از اعیاد دوازده‌گانه سال بوده و آن را "آبان روز" و "آبانگان" نیز می‌گویند (معصومی، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

آبان در اوستا، افنت (Afant) و در زبان پهلوی اپومند (Apomand) می‌باشد که با واژه سنسکریت اپونت (Apavant) به معنای دارای آب و آبدار است.

از دید اسطوره‌ای - تاریخی روایت است که در پی جنگ‌های طولانی بین ایران و توران، افراسیاب تورانی دستور داد تا کاریزها و نهرها را ویران کنند پس از پایان جنگ پسر تهماسب که زو نام داشت دستور داد تا کاریزها و نهرها را لایروبی کرده و با این کار و جاری شدن آب در نهرها ایرانیان به جشن نشستند. در روایت دیگر آمده است که پس از هشت سال خشکسالی، در ماه آبان باران آغاز به باریدن کرده از آن زمان جشن آبانگان پدید آمد.

ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه می‌گوید: "در این روز زو پسر تهماسب به پادشاهی رسید و مردمان را به حفر نهرها و تعمیر آن امر کرد و در این روز به کشورهای هفت‌گانه خبر رسید که فریدون، ضحاک را اسیر کرده و به سلطنت رسیده است و مردم را امر کرد که دوباره خانه‌های خود را صاحب شوند (صدرنوری، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

"اردوی سوز آناهیتا بر تارک خویش تاجی زرین و هشت‌گوش که جواهرات بسیار آن را دربرگرفته بود نهاد؛ و تاج زیبا را نوارهای آراسته و حلقه‌ای در میان گرفته بود." "همه کرانه‌های دریای فراخکرت به جوش و خروش افتند و میان دریا برآید، هنگامی که به‌سوی آن روان و سرازیر شود اردوی سوز آناهیتا، کسی که هزار دریاچه و هزار رود است؛ و هریک از این دریاچه‌ها و هریک از این رودها به بلندای چهل روز راه سواری تیز تک است" (گوبری، ۱۳۸۵: ۴۹ و ۵۰).

### ۳،۶ تجسم آناهیتا در آبان یشت

یشت‌ها شامل توصیفات زیادی از خدایان گوناگون است اما برای بیشتری آن‌ها هیچ تصویر بصری خاصی قائل نمی‌شوند. درحالی‌که تیشتر و ورثرغنه گاهی اوقات در شکل انسانی یا حیوانی برده می‌شوند، بر ویژگی‌ها و وظایفشان بهتر از سیمای واقعیشان تأکید می‌شود. دئنا، الهه وجدان است که هر شخصی در چینوت (پل پس از مرگ) با او مواجه می‌شود، به‌عنوان یک دوشیزه زیبا به یک شخص خوب، یا به‌عنوان یک عجوزه نفرت‌انگیز و بدبو برای بدکاران ظاهر می‌شود. سعدی‌نژاد معتقد است که: «در مقابل نمونه‌های یونانی و بین‌النهرینی، متون ایرانی اکثراً خدایانشان را در شکل انسان تصویر نمی‌کنند. تجسمات بصری از خدایان در قالب و فیزیک انسانی به‌طور معمول توصیف نشده است. بنابراین می‌توان گفت که ایرانیان یا خدایانشان را به‌عنوان موجود انسانی تجسم نمی‌کردند یا خیلی به‌ندرت این کار را انجام می‌دادند (سعدی‌نژاد، ۶۰: ۲۰۱۳). در مواردی که توصیفات بصری وجود دارد، آن‌ها تمایل بیشتری به منعکس کردن مفهوم ادراکی از وظایف انسانی آن‌ها به‌جای ظاهر واقعیشان دارند. برای مثال، زمانی که میترا دارای هزار دست و هزار گوش توصیف می‌شود تأکیدی است بر وظایف و توانایی‌هایش که هر چیز را در جهان می‌بیند و می‌شنود؛ برای کمک به نوع انسان که از او کمک بخواهند یا برای گرفتن کسی که مرتکب گناهی می‌شود؛ بنابراین این تجسمات نمادین هستند. یکی از جنبه‌های جلب توجه آناهیتا شیوه‌ای است که او در آبان یشت توصیف شده است که از دیگر منابع متفاوت است. توصیفات او منحصر به فرد، غنی و خاص است که الهه را بیشتر از یک هنر بصری



مجسم می‌سازد. لباس او، بدن او، جایگاه او، اسب او و خیلی از چیزهای دیگر مربوط به او با جزئیات تصویر شده است. این جزئیات را می‌توان در تصویر شماره ۲ که سنگ‌نگاره‌ای از دوره ساسانی است مشاهده کرد.



تصویر ۲: آناهیتا (الهه آب). نقش رستم. دوره ساسانی

توصیفی که دقیقاً از این ایزدبانو در آبان‌یشت شده است آناهیتا را دختر زیبایی می‌خواند بسیار آبرومند، خوش‌اندام، کمر تنگ بر میان بسته، راست بالا، آزاده نژاد و شریف، از قوزک پا به پایین کفش‌های درخشان در پا کرده و با بندهای زرین (آنها را) محکم بسته با زینت‌های بسیار آراسته، ردای قیمتی پرچین و زرین در بردارد. بازوان زیبا و سفیدش به ستبری شانه اسبی است. نازنین و بسیار نیرومند، در دستش برسم است. گوشواره‌های چهارگوش و زرین در گوش و گردنبندی به گردن نازنین خود دارد. او کمر به میان می‌بندد تا سینه‌هایش ترکیب زیبا بگیرد و مطبوع واقع شود. بر سر اردویسور آناهیتا دیهیمی است با صد ستاره آراسته (صد گونه گوهر)، دیهیمی زرین هشت گوشه بسان چرخ ساخته شده با نوارهای زینت یافته، دیهیم زیبای خوب ساخته شده که زینتی جقه مانند در جلو دارد. در تصویر شماره ۳ که آثار فلزکاری مربوط به قرون اولیه اسلامی است می‌توان نمونه‌ای از این تصویر آناهیتا را مشاهده کرد.



تصویر ۳. آناهیتا یا الهه آب در فلزکاری قرون اولیه اسلامی. محل نگهداری: نامشخص

اردو یسور آناهیتا جام‌های درخشان از پوست ببر (سگ آبی یا بیدستر) دربر دارد. از سیصد ببری که چهار بچه زاید از ببر ماده برای آنکه ببر ماده زیباترین است چه موی آن انبوه‌تر است، ببری آبی که اگر پوست آن در وقتی معین تهیه شود، به نظر مانند سیم و زر بسیار می‌درخشد (بندهای ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۷۸۶۴، ۷). مشابه این توصیف‌ها برای هیچ ایزد دیگری در اوستا نیامده است.

در توصیفی که از آناهیتا آمده، او در جبهه زرین پرچین و شکن و بیرین جامه‌ای بر تن دارد که در بند ۱۲۹ آبان‌یشت، جنس این جامه از پوست درخشان و زرین نمای "بیدستر" یا "سگ آبی" مشخص شده است. این جامه زرین قطعاً از فلز نبوده بلکه طلایی و درخشان بوده است که احتمالاً از پوست گرانبه‌های جانور آبی معروفی بوده که به آن بیدستر (اوستایی: bavri) و به ترکی "قندز" می‌گفتند.

تصویر آناهیتا در بند ۱۲۸، بر بالای سرش یک تاج شاهی با یک‌صد ستاره طلایی تزئین شده و دارای هشت دندانه، ساخته شده مثل بدنه آرابه، آراسته با روبان که زیبا و خوب ساخته شده است. بلافاصله کلاه ایشتر را به یاد می‌آورد که با هشت ستاره گوشه‌دار شده است. نکته جالب توجه این واقعیت است که آناهیتا با پوست سگ آبی توصیف شده است. اگر چه بعضی مدارک و شواهد جغرافیایی برای وجود سگ آبی در ایران در گذشته صحه می‌گذارد، این جنبه خاص از تصویرسازی آناهیتا حداقل به چهار هزار سال پیش برمی‌گردد، قبل از انشعاب هند و ایرانیان، زمانی که هند و ایرانیان پیشین در جنوب شرق منطقه اورال سکونت داشتند؛ به‌طوری که توسط آثاری از Sintashta و جاهای دیگر ثابت شده است. در هر صورت چه پوستین سگ آبی در سرزمین‌های اوستایی وجود داشته یا به دوران قبل‌تر برمی‌گردد، اشاره به پوستین سگ آبی در آبان‌یشت به‌نظر می‌آید که نویسندگان نقل‌قولی می‌کرده است از یک سنت شفاهی قدیمی که برای مثال در بین‌النهرین نمی‌توانسته بوده باشد. در عوض نشان می‌دهد که حداقل آناهیتا در ابتدا در سرزمین‌های با آب و هوای سرد پرستش می‌شده است (Sadi-Najad, ۲۰۱۳: ۶۲). تصویر شماره ۴ سردیس فلزی مربوط به آناهیتا بر جای مانده از دوره باستان است.



تصویر ۴. سردیس فلزی آناهیتا، مربوط به دوره باستان. محل نگهداری: موزه ملی بریتانیا

توصیف الهه ملبس به پوست حیوانات که مثل ملکه برفی در خیلی از افسانه‌ها ظاهر می‌شود به ما این اجازه را می‌دهد که بعضی چیزها را در مورد آب و هوا و محیط‌زیست طبیعی که او ابتدا در آنجا تصور می‌شده است را مجسم کنیم. بیشتر از همه به نظر می‌رسد که جایی سرد بوده است. این مطابق با توصیف اوستا از سرزمین اصلی ایرانیان است، Airyanam vaejo.

(Aryanam waljah) در یشت‌ها این کشور سرد جایست که زرتشت برای آناهیتا و دیگر خدایان قربانی می‌کند. (یشت ۹ و بندهای ۱۴ و ۲۵، یشت ۵ بند ۱۰۴، یشت ۱۷ بند ۴۵)؛ به همین ترتیب در videvdat این سرزمین توصیف شده است: ده ماه زمستان دارد و در تابستان برای آب و زمین و گیاهان خیلی سرد است. آنجا میانه و قلب زمستان است و هنگامی که زمستان پایان می‌یابد سیل زیادی هست؛ بنابراین امکان دارد آب و هوای سرزمین سابق ایرانیان با نوع پوشش الهه آبشان پیوندی داشته باشد. به طور خلاصه تصویر آناهیتا با چنان دقت و جزئیاتی توصیف شده است که می‌توان نتیجه گرفت که آن‌ها با رسوم بسیار کهن و مجسمه‌ها و آیین پرستش او مرتبط بودند.

مطابق با این توصیفات متنوع، مقداری بیشتر رئالیستی و بقیه انتزاعی هستند. او به طور عمده به عنوان یک ملکه اسطوره‌ای ظاهر می‌شود. توانایی و قدرت، زیبایی و شکوه، ویژگی جنگجویی و باروری او و قابلیت‌هایش برای ساختن تصویر خیلی واقعی از او با هم ترکیب شدند (همان: ۶۳).

#### ۴. تطبیق الهه شکتی و آناهیتا و بازتا

شاکته‌ها الهه بزرگ، شکتی، را می‌پرستند. شکتی به معنی قدرت یا انرژی، قدرت خلاق الهی است که مؤنث تجسم شده و تشخیص آن را "الهه" گرفته‌اند و از آن جهت که یک خدایانو تصور شده، شیوه را همسر او قرار داده‌اند. با نام‌های متعدد او را پرستیده و کیفیات و وجوه گوناگون برایش قائل شده‌اند؛ پرستش شکتی صورت‌های بسیار متنوعی یافته است. او در مقام نیروی خلاق کیهانی چیزها را به ظهور می‌رساند. در این مذهب قدرت (شکتی) یا

وجود اعلی است یا یک خدایانو و همسرخدایی مذکر شمرده می‌شود. به‌طور کلی باید گفت که شکستی در الهه (دوی) تشخیص می‌یابد و نام‌های بسیار می‌گیرد. در تنتره‌های شکستی پرست الهیاتی غیرثنوی به چشم می‌خورد؛ در آن‌ها یا شکستی خود ذات مطلق است، و یا پیوند شکستی و شیوه. بیشتر تنتره‌های شاکته را می‌توان بر دو قسم تقسیم کرد: یا خدایانو در بُعد زیبا و رحمانیش را ستایش می‌کند، یا خدایانو را در چهره‌ای قسی‌القلب (معمولاً کالی) می‌ستایند.

آناهیتا نیز مانند شکستی قدرت یا انرژی را می‌رساند؛ منتهی آناهیتا قدرت آب که سرچشمه تمام حیات است را می‌آورد. ایرانیان از گذشته‌های دور آب را موجودی مقدس می‌دانستند و حتی پس از گذشت چند صد سال همچنان اعتقادات خود را حفظ کرده‌اند و پشت سر مسافر برای سلامتی و بازگشتش آب می‌ریزند. در اوستا آب، به صورت «آپی» و در پهلوی هم «آپ» گفته می‌شود. در اساطیر ایرانی، آب دومین مخلوق جهان است که توسط اهورامزدا آفریده شد و از جنوب البرز به تمام زمین راه یافت. ایرانیان پیش از زرتشت نیز به پاکی آب توجه داشتند و با آمدن زرتشت که پاکی و دور نگه داشتن آب از پلیدی جزء ارکان مهم آموزه‌های وی بود، ارادت مردم نسبت به ایزد آب «اردویسور آناهیتا» بیشتر شد. آب، باد، آتش و خاک در ادبیات و اعتقادات مردم دارای اهمیت بسیاری است؛ آب در بین این عناصر باعث خلق آثار بسیاری شده‌است

شکستی ذات واحد است؛ حقیقت نهایی است. فلسفه شاکته مبتنی است بر اینکه حقیقت نهایی واحد و غیرثنوی است. آن واحد غیرثنوی وحدت کامل آگاهی بیکار و لخت (شیوه) و قدرت (شکستی) است. چون فقط واحد وجود دارد، شکستی الزاماً در درون واحد مستتر است. آن واحد می‌تواند در کائنات متجلی شود. خلقت با تمامی وجوه آن تجلی قدرت الهی (شکستی) است. شکستی مادر کیهان است. او که قدرت الهی است خالق، حافظ و نابودکننده جهان است. جهان جز از شکستی نیست، همان شکستی است که تجلی یافته است، و عالم مایاست، اما نه مایا به معنی پندار و توهم، بلکه مایایی که جنبه‌ای شکوهمند از هستی الهی است. مایا بدان معنی است که ذات واحد (شکستی) در عالم پنهان است. کائنات همان اندازه واقعی است که خدایانو واقعی است. در نتیجه، شکستی پرستان از بودن در این جهان خشنودند.

آناهیتا از جهت ذات واحد داشتن با شکستی متفاوت است، آناهیتا از خدایان دیگر تأثیر می‌پذیرد. در متون تاریخی دوره هخامنشی (به‌طور اخص آبان یشت) آناهیتا با خصوصیات همچون ایزدبانوی آب‌ها، عشق، جنگ و باروری ظاهر می‌شود. صفاتی همچون عشق، جنگ و باروری متأثر از الهه ایشتر و آفرودیت و آتنا در آناهیتا پدیدار می‌شود. نکته‌ای که نباید فراموش شود این است که آناهیتا در تأثیرپذیری از این ایزدبانوان از جوانب مثبت صفات آنان برخوردار شده است. در آیین شکستی راه یوگه برای نجات نهایی پذیرفته شده است، ولی کمال آن را در شیوه‌های تنتره‌ای، یا در "کوندلینی یوگه" می‌داند. در آنجا کوندلینی با ذات واحد و حقیقت نهائی درمی‌آمیزد. در آن هنگام است که یوگی همان واحد می‌شود و این به معنی آزادی نهایی است.



در ایران باستان نیز مراسمی برای بزرگداشت و تشکر از این الهه آب انجام می‌شده است. آناهیتا از دوران اساطیری مورد پرستش مردم بوده و همواره قربانیانی به او اهدا می‌کردند، اما اینکه این افراد به درخواست خود برسند تنها منوط به قربانی نبود، بلکه می‌بایست آن‌ها انسان‌های پاک‌سرشتی هم باشند. در طول تاریخ افرادی همچون جم، گشتاسب، فریدون، جمشید، کیکاووس و... برای او قربانی کرده‌اند.

آیین تنتره در دین بودایی نفوذ کرده است و تحت‌تأثیر کیش پرستش شکتی و شیوه قرار گرفته است. در تنتره آیین دین نیز الهیت نه‌بابتاً حاصل اتحاد شیوه و شکتی، قطب‌های مثبت و منفی عالم است، اما در اینجا، برعکس آیین تنتره هندو که شکتی را فعال و توانمند و شیوه را بیکار می‌گیرد، در دین بودایی تنتره‌ای، عامل مذکر پویا و قادر است و عامل مؤنث منفعل. در آیین شکتی زن مقامی عالی می‌یابد، زیرا زن تجسد الهه انگاشته می‌شود. البته نباید تصور کرد که این اندیشه دینی به ترفیع جایگاه زنان در جامعه هند انجامیده است. مقام زن در مقابل مردان، و برابری طبقات در این کیش، فقط در آداب دینی ظهور دارند.

آناهیتا نماد آب‌های جهان است و آب همانند زمین از گذشته مقدس بوده است و اصلاح آن را واجب می‌شمردند. ایرانیان باستان، عناصر مفید و سودمند را بسیار مورد پرستش قرار می‌دادند و برای آن‌ها نگهدارندگی در نظر می‌گرفتند و آب یکی از همان عناصر مقدس بوده است. ایزدان نگهدارنده آب با نام‌های آبان، اردویسور آب، اردویسور آناهیتا و ناهید آمده است؛ آپم نیات یا بُرز ایزد یا آبان ناف مأمور پخش آب بوده‌اند و از یاران ناهید، امشاسپند خرداد، سرور آب‌ها بوده است. این صفت ناهید که نشان از پاکی است پرستیدگان را ملزم می‌دارد که از ناپاکی دوری کنند و از آلودگی آب بپرهیزند؛ همچنین آن‌ها را ملزم می‌ساخت از آتشکده‌ها و پیکرهای ساخته شده ناهید مراقبت کنند تا دچار آلودگی نشود و به همین خاطر معابد او جای پرهیزکاری است. در گذشته گاهی اتفاق می‌افتاد که زنان برجسته را برای زندگانی پاک به این معابد می‌فرستادند.

آناهیتای هند و ایرانی در باورهای اساطیری خود همواره به‌عنوان ایزدبانوی آب‌ها، رودها شناخته شده است. او صاحب اقیانوس کیهانی و صاحب رودهای زمینی و آسمانی می‌باشد. این خصوصیات و صفات کاملاً مشابه با برخی الهه اساطیر هندی می‌باشد. این شباهت را در صفات نمی‌توان تأثیرپذیری و اقتباس از این الهه هندی دانست، بلکه این شباهت را باید نتیجه داشتن ریشه‌های نژادی برابر میان این دو الهه دانست که مسبب وجوه مشترک در باورهای اساطیری و مذهبی هند و ایرانی‌ها شده است.

### نتیجه‌گیری

دین هندو، دین اصلی مردم کشور هندوستان، و دینی مؤثر در بعضی از همسایگان آن است. دین هندو نتیجه پیچیده حدود ۵۰۰۰ سال تحول و پیشرفت فرهنگی این مردم و مشتمل بر بسیاری اعتقادات و اعمال سنتی است. سه خدای اصلی در دین هندویی برهما، ویشنو و شیوه بودند. اما بعدتر الهه شکتی جایگزین برهما شد. در بین نیروهای مؤنث

کیهانی، در دین هندو از همه مهم‌تر شکستی است. پرستندگان خدایانو او را نیروی حیات‌بخشی می‌دانند که وصول خدایان به اهدافشان را ممکن می‌کند.

ریشه‌های آیین شکستی را می‌توان در فرهنگ‌های درهٔ سند پی گرفت. گرایش به پرستش شکستی یا الههٔ بزرگ از بومیان هند به تدریج به دین آریاییان رخنه کرد و از قرون پیش از میلاد با تأیید این پدیده در آثار دینی هندو روبه‌رو هستیم. با بسط و گسترش و عمق یافتن این گرایش، سرانجام شکستی به صورت یکی از سه سیستم اعتقادی اصلی دین هندو ظهور کرد و اهمیت بسیار یافت. شاکته (عنوانی که هم به این آیین و هم به مؤمنان آن اطلاق می‌شود) در هند رشد کرد و امروز در بنگال و آسام کیش اصلی مردمان را تشکیل می‌دهد؛ گرچه در سراسر هند و به‌ویژه در جنوب آن کشور، خدایانو شکستی پرستیده می‌شود. در تنترها و اوپنیشدهای با گرایش شکستی پرستانه، پرستش الهه در صورت تنترهای را شاهدیم. شاکته‌ها وده‌ها و پورانه‌ها را مقدس می‌دانند، اما تنترها بیش‌ترین مرجعیت را برایشان دارند. اعتقادات و اعمال دینی شاکته‌ها با اعتقادات و اعمال تنترهای درآمیخته است و لذا کیش شکستی و آیین تنتره تقریباً مترادف هم هستند. در متون هندی مانند متون ایرانی خدایانو بسیار مورد احترام و ستایش واقع شده است؛ در متون اساطیری ایران باستان، آناهیتا به‌عنوان خدای آب از اهمیت بسیار والایی برخوردار بوده است. آناهیتا هدایت و نگهبانی تمام آب‌های جهان را به عهده دارد. به خاطر قدرت بسیاری که ناهید داشت، فره زرتشت به او سپرده شد تا از آن محافظت کند. آردویسور آناهیتا از چند بخش مجزا تشکیل شده است، اردوی (Aredvī) نام یک رود است که در اوستا ذکر شده است. سور (Sūrā) جزء دوم نام اوست که به معنی قوی، توانا و قادر است، فرشته آب با گردونه خود که از چهار اسب باران، ابر، تگرگ و باد تشکیل شده به نبرد با دشمنان خود می‌رود و آن‌ها را شکست می‌دهد. جزء آخر نام او، آناهیتا است که به معنای بی‌آلایش و پاک است؛ ناهید الهه‌ای است که نطفهٔ مردان و مشیمه (رحم) زنان را پاک می‌کند. این خدایان در هنر ایرانی و هندی در قالب مجسمه‌سازی، نقاشی ترسیم شده‌اند.

## فهرست منابع و مآخذ

## کتاب‌ها

- ارشاد، محمدرضا. (۱۳۸۶). گستره اسطوره. تهران: هرمس.
- پورداود، ابراهیم. (۱۳۴۷). اوستا (یشتها). تهران: انتشارات طهوری.
- داندامایف، م.آ. (۱۳۵۲). ایران در دوره نخستین پادشاهان هخامنشی. ترجمه روحی ارباب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- راداگریشنان، سروپالی (ویراستار). (۱۳۶۷). تاریخ فلسفه شرقی و غرب، ج ۱: تاریخ فلسفه شرق، ترجمه خسرو جهاننداری، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- گویری، سوزان. (۱۳۸۵). آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی، تهران: ققنوس.
- معصومی، غلامرضا. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر اساطیر و آیین‌های باستانی جهان، تهران: سوره مهر.

## مقالات

- حرم‌پناهی، ریحانه. (۱۳۸۱). «ایزدبانوان، اهوراییانی ماندگار»، کتاب ماه هنر، ۱۲۷-۱۲۲.
- ستاری، رضا؛ خسروی، سوگل. (۱۳۹۲). «بررسی خویش‌کاری آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینه مادرسالاری»، فصل‌نامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، ش ۱۲، ۳۲۷-۹۸.
- صدر نوری، بابک. (۱۳۹۱). «آبانگان یادمان ایزدبانوی آناهیتا». ماه‌نامه ره‌آورد گیل، ش ۲۲، ۱۱۵-۱۱۲.
- کاظم‌زاده، پروین. (۱۳۹۲). «تحلیلی بر دلایل شکل‌گیری اعتقاد به ایزدبانوان در ایران باستان»، پژوهش‌های ادیبانی، ش ۲، ۷-۹۴.

## پایان‌نامه‌ها

- رسولی، آرزو. (۱۳۹۱). «آناهیتا در پارس (تحول مفاهیم، مناسک و سازمان دینی در عصر ساسانی)»، رساله دکتری رشته تاریخ، تهران: دانشگاه تهران.

## منابع لاتین

- Embree, Ainslie T. (۱۹۷۲). The Hindu Tradition, New York, Vintagebooks.
- Flood, G. (۲۰۰۳) The Blackwell Companion to Hinduism, USA, Uk, Australia, Blackwell Pub. Ltd.
- Flood, G. (۲۰۰۰). An Introduction to Hinduism, Cambridge University Press, ۲۰۰۰.

- Grimal, P. (۱۹۸۹). Larousse World Mythology, trans. into English by Patricia Beardsworth, Hamlyn Pub. Group Ltd.
- Hopkins, Thomas J.. (۱۹۷۱). The Hindu Religious Tradition, Encino, California, Dickenson Pub. Co., Inc.
- Jones, Constance A. & Jones D. Ryan, (۲۰۰۷). Encyclopaedia of Hinduism, New York, Facts on file, Inc.
- Klostermaier, Klaus K.. (۱۹۹۸). A Concise Encyclopaedia of Hinduism, Oxford, England, One world.
- Melton, J. (۲۰۰۲). Gordon & Martin Baumann, Religions of the World, vol. ۱, California, ABC-CLIO, Inc.
- Renou, L. (۱۹۶۲). Hinduism, New York, George Braziller.
- Riel, M. (۲۰۰۲). The cult of the Iranian goddess Anahita in Anatolia before and after Alexander, *Antiquit' vivante*, ۱۹۷-۲۱۰
- Saadi-nejad, M. (۲۰۱۳). Aredur sūrā anāhitā: an India European river goddess, *Analytica iranica*, ۵:۲۵۳-۲۷۴
- “ Shaktism”, (۱۹۹۵). The New Encyclopaedia Britannica (Micropaedia), vol. ۱۰, Encyclopaedia Britannica, Inc.